



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۲/۱۵

عبدالقیوم میرزاده

## کتاب

## زنان

# و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت بیست سوم)

## ضعف جامعه مدنی و نبود سازمانهای با اعتبار و مقتدر دفاع از حقوق زن در

### کشور

در گام نخست قبل از توضیح ضعف جامعه مدنی در قبال دفاع از حقوق و موقف زن در جامعه افغانی لازم میبینم نکاتی مختصری در باره مفهوم و یا مفاهیم جامعه مدنی به مرور کنندگان این سطور ارائه کنم تا قبل از ورود به این مسئله وقوفی از این مقوله داشته باشند.

در باره مفهوم جامعه مدنی علما و دانشمندان امور اجتماع، حقوق و سیاست نظریات مختلف ارائه میکنند اما تا کنون کدام تعریف مشخص از جامعه مدنی داده نشده است. صرف نظر از تفاوت هایی اندیشویی میان اندیشه پردازان اندیشه های چپ در قبال جامعه مدنی و نظریات لیبرال ها ولی همه دانشمندان امور اجتماع و حقوق دانان تصویر همگون و مشخصات یکسان از عملکرد و چگونگی راه و روش این پدیده ارائه میدهند و همه بدون استثناء به این نظر اند جامعه مدنی، جامعه است که بر مبنای اشتراک آزادانه و خواست آگاهانه اکثریت مردم در تشکلات این اجتماع عضویت حاصل کرده و در شکل گیری و رعایت نورم های حقوق بشری سهم بارز ادا کرده و قانونمندان اداره میشود.

یعنی جامعه مدنی، از عناصری متشکل شده که آنها عبارتند از : اشتراک آزادانه، خواست آگاهانه، رعایت حقوق بشر و قانونمندی فعالیت و اجراءات.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولۍ

یک نگاه مختصر بر سیر تحولات اجتماعی جامعه بشری و در این جریان نحوه و محل های ایجاد جامعه مدنی بما میرساند که جامعه مدنی در سیر تکامل خویش سه مرحله را از سر گذشته است:

#### مرحله نخستین یا مرحله قبل از ایجاد دولت ها

همانطوریکه در آغاز این نوشته یاد اوری کردم در مراحل انکشاف جوامع انسانی به رهبریت زن و مادر و تجمعات ابتدایی و اولیه انسانی تا مراحل انکشاف و رسیدن به قرون وسطی انجمن های مختلفی جوامع انسانی را کنترل میکرد و نظم را در آن برقرار میکرد است یعنی جامعه مدنی یا انجمن های اداره جامعه زیر بنا و تهداب مستحکم اداره بوده که اگر همان جوامع را دولت قیاس کنیم در عقبش روان بوده است. این مرحله بنابر اهمیت فوق العاده اش در عرصه برآورده ساختن خواست ها و نیازمندی های مشمولین این اجتماعات در استحکام جامعه مدنی و رشد این پدیده نقش به سزایی ایفا کرد و بنابر همین ملحوظ جامعه مدنی فراتر از دولت مورد توجه قرار گرفت.

#### مرحله دوم یا مرحله تقابل جامعه مدنی با دولت

در این مرحله تکامل جامعه مدنی با آغاز رنسانس در اروپا در نقطه مقابل دولت های مستبد و مذهبی قرار گرفته و مردم را غرض مقابله مستقیم با دولت تحریک و تشویق میکرد. در این زمان بود که گروه های بزرگ اجتماعی در تقابل با سلطه استبدادی دولت قرار گرفته و دولت ها تا توان و قدرت داشتند این گروه ها و سازمان های مماثل را سرکوب خونین کردند.

#### مرحله سوم یا مرحله پس از تأسیس دولت های مدرن

در مرحله دولت های مدرن اروپایی جامعه مدنی طوری شکل گرفت که توانست موجودیت خویش را برای حل منازعات، تضاد ها، خواسته ها و نیازمندیها میان مردم یا شهروندان با دولت در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی، زبانی که تا کنون منجر به کشمکش ها و منازعات خونین میگردد است نقش میانجی را ایفا کرده و در حل این تضاد ها با دولت مساعی جمیله را بخرچ داده و از تناقضات و منازعات خونین جلوگیری بعمل آورند. اکثریت جامعه شناسان همین مرحله را مرحله ایجاد جامعه مدنی رقم میزنند.

به قول دیگر انسانها در مسیر انکشاف جامعه بشری از دو مرحله گذر کرده اند.

مرحله اول جامعه طبیعی که در آن هیچ حاکمیتی مستقر نبوده و افراد جامعه بر مبنای روابط متقابل حسنه، احترام به یکدیگر و حفظ سنت ها و باور هایشان با همدیگر در ارتباط بودند و رابطه اقتصادی بیشتر بر پایه تبادل متوازن استوار بود. و مرحله دوم مرحله گذار از جامعه طبیعی به جامعه مدنی که انسانها می بانیست از مرحله قرار داد اجتماعی گذر میکردند. که این مرحله را افلاطون در کتاب جمهوریت خود مدینه فاضله نام گذاری کرد که متعاقباً ارسطو در باره ارزشهای بزرگ خوشبختی انسان بوسیله قوانین و شهروندان صاحب اراده و اختیار بحث مبسوطی ارائه کرده و به نظر ارسطو جامعه مدنی قانونمند عبارت است از همان جامعه است که شهروندانش در زیر اداره قانون سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش را تعیین و یا در تعیین سرنوشت خویش اثر گزار میباشند. در آغازین دور این مرحله از تاریخ انکشاف جامعه بشری جامعه مدنی قوانین علماً تنظیم شده چون قوانین امروزی نداشت اما رهنمود ها، طرز العمل ها و مقرر ههایی خطوط کاری و شیوه رفتار جامعه مدنی را در برخورد با دولت و نماینده گی از مردم ارائه میداشت. برای نخستین بار مقوله یا مفهوم جامعه مدنی در ادبیات سیاسی روم باستان رونمایی کرد.

سیسرومارکوس تولیوس یا کیکرو **M arcus Tullius Cicero** متولد ۱۰۶ قبل از میلاد در شهر آرپینو ایتالیا که در ۴۳ قبل از میلاد وفات کرد خطیب، متفکر و سیاستمدار معروف رومی برای اولین بار اصطلاح جامعه مدنی را بنام دولت شهر در ادبیات اجتماعی آن زمان شامل ساخت. به توضیح کیکرو یا سیسرو جامعه مدنی (دولت شهر سیسرو) جمعیتی است از مردمان یک کشور که سازمان حقوقی - سیاسی را که او آنرا انجمن عمومی است که خواسته ها و نیازمندی های مردم را در ساختار دولت منعکس میسازد یاد آور گردید. که یقیناً مفهوم جامعه مدنی را افاده میدهد. همچنان جان لاک **John Locke** ۱۶۳۲ - ۱۷۰۴ فیلسوف و نظریه پرداز انگلیسی که پژوهشگران او را بنام پدر لیبرالیسم کلاسیک مینامند یکی از مهمترین شارحان و اثر گزاران نظریه قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو بوده و او منحنی اندیشمند خرد گرایی و انسان محوری در ظهور مؤلفه های جدید در فعالیت های اجتماعی و روابط سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مردمان کشور ها را در مقابل دولت بنام حوزه روابط اجتماعی فارغ از دخالت در قدرت سیاسی سعی بلیغ بخرچ داد و او را در حقیقت بنیان گذار اندیشه های عمل گرایانه جامعه مدنی می شمارند زیرا تأثیرات پر بار اندیشه های او را در آثار ولتر، ژان ژاک روسو، اندیشمندان اسکاتلندی و امریکایی به صراحت میتوان دید.

به قول جان لاک هدف جامعه مدنی عبارت است از حفاظت از حقوق و آزادیهای فردی در چهار چوب حاکمیت قانون میباشد که حاکمیت قانون عبارت است از تضمین استقلال و اراده آزاد انسان از تحمیل اراده سایرین میباشد.

مایکل زوکرت در باره لاک مینویسد: لاک با معتدل کردن حکومت مطلقه هابز بخصوص در طرح جدایی دین از سیاست یا دین از دولت در حقیقت لیبرالیسم را پایه گذاری کرد. این نظریات لاک بود که سیاست گزاران امریکایی چون الکساندر هملتون، جیمز مدیسون، توماس جفرسون و سایرین ایالات متحده امریکا را بنیان گذاشتند.

اما امروز بحث جامعه مدنی به بحث روز میان همه متفکرین سیاسی و اجتماعی تبدیل گشته و هر کدام بنوبه خویش این پدیده را با اجزای متشکله ای آن در جوامع مختلف به ارزیابی و تحلیل میگیرند. من هم سعی بر آن دارم تا با نگاهی اجمالی بر پیشینه ای تاریخی جامعه مدنی نقش زنان را در این راستا دریابیم.

با مطالعه پیشینه این پدیده درمی یابیم که جامعه مدنی بیشتر سنت فکری کشور های غربی بوده و همراه با تحولات سیاسی، اقتصادی و فکری کشور های غربی متحول گردیده است. جامعه مدنی بیشتر با پیدایش و توسعه فرهنگ شهری، پیدایش دولت های مشروطه و زوال دولت های مستبد و ایجاد جنبشهای طراز دیموکراسی متحول شده راه و نقش خود را در درجوامع بشری تثبیت کرده است.

مطالعه تاریخ انکشاف جامعه بشری بما می آموزد که زنان در پیریزی اساسات جامعه مدنی نقش بسزایی داشته است. اگر از فعالیت ها و مبارزات فردی زنان در درازمنه تاریخ صرف نظر کنیم نخستین جنبشهای اجتماعی و صنفی زنان در قرن هژدهم آغاز گردید که آنرا آغاز دوره روشنگری و دیموکراسی میدانند. در سیر انکشاف جنبشهای اجتماعی و اقتصادی جهان پیوسته زنان نقش ارزشمندی را ایفا کرده اند اما بنابر محوریت مردان در این جنبشها زنان به حاشیه برده شده اند. چنانچه الپ دو کورژه فرانسوی در اعلامیه حقوق زنان منتشره ۱۷۸۹ مینویسد: « همچنان که زنان حق دارند بالای چوبه دار بروند به همان سان حق دارند بالای میز خطابه نیز بروند» از همین جا نظریات در میان نخبگان امور اندیشه و سیاست مبنی بر اینکه زنان موجودات کاملاً عقلانی هستند و تفاوتهای موجود ثمره فرهنگ مرد سالار حاکم میباشد نه طبیعت فیزیولوژیک زنان رشد فوق العاده پیدا کرده و مباحثه های آتشین برای دسترسی به حقوق مساوی زنان و مردان محافل سیاسی و اجتماعی اروپا و امریکا را گرم ساخت.

جان استوارت میل **John Stuart Mill** (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳) نویسنده و فیلسوف انگلیسی در کتاب خود زیر عنوان « اسارت زنان » خواستار اعطای حق رأی به زنان گردید. در کشور های اسلامی منجمله در مصر مبارزات زنان به همکاری و فعالیت زنان مبارز مصر و نقش مؤثر و روشنگر قاسم امین ( ۱۸۶۳ - ۱۹۰۸ ) نویسنده و حقوق دان مصری که مصری ها وی را پدر نهضت زنان مصر لقب داده اند کار هایی ارزشمندی را برای آزادی زنان در جامعه اسلامی مصر انجام دادند. قاسم امین با نشر کتابهای آزادی زن، زن نوین، مصری ها و سایر نوشته، مقالات و بیانات زنده اش طی محافل و گردهم آیی ها توانست نه تنها در جامعه مصر بلکه آثارش بیشتر متوجه آزادی و کسب حقوق زنان مسلمان جهان بود و برای بیداری و روشنگری زنان جوامع مسلمان تأثیر بسزایی داشت، که سازمانهای زنان زیر عناوین جامعه پیشرفته زنان مصر، انجمن معنوی زنان مصر، جامعه زنان نوین مصر، جامعه تجدد زنان مصری و ده ها محفل و انجمن های زنان نمایانگر حضور گسترده ای زنان در چوکات جامعه مدنی مصر میباشد. همچنان در سوریه، ترکیه، ایران، منحیث کشور های اسلامی و سایر کشور های آسیایی از اواخر قرن هژدهم بعد نشانه هایی از بیداری زنان برای حقوق برابر با مردان در جامعه و عضویت شان در تشکیلات جامعه مدنی اثرات و نشانه هایی دیده میشود. پایان قسمت بیست سوم ( ادامه دارد )